



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۳ / شماره ۴ (پیاپی ۵۲) / زمستان ۱۴۰۳
صفحه ۸۱۱ تا ۸۳۴

تجزیه و تحلیل ساختار سرمایه و ساختار مالکیت متأثر از رفتارهای متقلبانه: نقش عوامل تعدیل کننده

مریم عطاراسدی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه، فیروزکوه، ایران.
atarasadi.m@gmail.com

سید یوسف احدی سرکانی

عضو هیأت علمی و دانشیار، گروه حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، فیروزکوه، ایران. (نویسنده مسئول)
ahadiserkani@gmail.com

محسن امینی خوزانی

عضو هیأت علمی و استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهرقدس، ایران.
amini_k_m@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

چکیده

بر اساس منطق ارائه شده در مطالعات گذشته، ساختار مالی شرکت‌ها از طریق هزینه سرمایه و سود خالص هر سه گروه ارزش دارایی‌ها، قیمت سهام و ارزش شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت این موضوع تمایلات فرصت‌طلبانه مدیران را تحریک نموده تا با استفاده از این فرصت‌ها و اعمال رفتارهای متقلبانه ساختار تأمین مالی شرکت‌ها را در جهت حفظ منافع گروه‌های خاص هدایت نمایند. از سوی دیگر دخالت برخی عوامل داخلی و خارجی امکان استفاده از چنین فرصت‌هایی را محدود و با شرایط استفاده از آنها را فراهم می‌آورند. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش و اهمیت برخی از این عوامل همچون بیش‌اعتمادی مدیران، کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی در فرایند تأثیرگذاری رفتارهای متقلبانه بر ساختار سرمایه و ساختار مالکیت شرکت‌ها به منظور کنترل عوامل مؤثر در این زمینه می‌باشد. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی، سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۹ می‌باشند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۲ شرکت و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل رگرسیون خطی چند متغیره و تحلیل داده‌ها به روش پانل صورت پذیرفته است. یافته‌ها نشان داده‌اند که علاوه بر وجود رابطه معنی‌دار مثبت بین وقوع تقلب با ساختار سرمایه و ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی از اثرات تعدیل‌کنندگی منفی و بیش‌اعتمادی مدیران نیز از اثرات مداخله‌گری فزاینده بر ارتباط مثبت بین تقلب با ساختار سرمایه و ساختار مالکیت برخوردار بوده و ارتباطات سیاسی فاقد هرگونه اثرات تعدیل‌کنندگی می‌باشد. نتایج این پژوهش بر اهمیت دو عامل کیفیت حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران و کنترل آنها در جهت مدیریت آثار سوء رفتارهای متقلبانه بر شیوه‌های تأمین مالی و ساختار مالکیت شرکت‌ها تاکید دارد.

واژه‌های کلیدی: تقلب، ساختار سرمایه، ساختار مالکیت، عوامل تعدیل کننده.

۱- مقدمه

امروزه باتوجه به افزایش روز افزون بنگاه‌های اقتصادی و پیچیدگی عملیات تجاری و به دنبال آنها رونق بازارهای سرمایه، مطالعه و بررسی رفتارهای متقلبانه نیز به دلیل اثراتی که بر عملکرد و روابط شرکت‌ها با ذینفعان خواهد داشت، مورد توجه خاص محققان قرار گرفته است. رفتارهای متقلبانه اغلب زیان‌های مستقیم مانند هزینه‌ها و جرائم قانونی و ادعاهای مشتریان را به همراه دارند. تهدید فرصت‌ها در زمینه‌های تأمین مالی، بازار رقابت محصول، شهرت شرکت و همچنین توسعه و پایایی فعالیت‌های شرکت از جمله آثار غیر مستقیم این‌گونه رفتارها به شمار می‌روند. از دیگر سوی تغییرات در ساختار تأمین مالی و ساختار مالکیت شرکت‌ها از طریق تأثیرگذاری بر میانگین موزون هزینه سرمایه^۱ و سود قبل از بهره و مالیات^۲ ارزش شرکت‌ها و قیمت سهام آنها را در بازار سرمایه متأثر می‌سازند. همچنین در شرایط رقابتی تعیین روش‌های مناسب تأمین مالی برای افزایش سودآوری و ادامه حیات شرکت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود. چرا که حیات و بقا، و اعمال سیاست‌های مالی و عملیاتی و افزایش بازدهی سازمانی از مسئولیت‌های اصلی مدیریت به شمار می‌رود. در چنین شرایطی تمایلات، سلائی و احساسات مدیران بر اعمال سیاست‌های راهبردی نقش کلیدی و مهمی ایفاء می‌نماید. اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و یا بیش‌اعتمادی از جمله ویژگی‌های است که پیامدهای مهمی را به همراه دارد. بیش‌اعتمادی به این معناست که افراد مهارت‌ها و توانایی‌های خود را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر افراد می‌بینند و برای خود ویژگی‌های مطلوب در نظر می‌گیرند. دولتی بودن اکثر شرکت‌ها و صنایع بزرگ مؤثر بر اقتصاد نیز موجب افزایش قدرت دولت در تصمیم‌گیری و هدایت سیاست‌های کلان اقتصادی در بازار سرمایه می‌باشد، بر همین اساس شرکت‌ها به ارتباط نزدیک با دولت تمایل بالایی دارند. برقراری ارتباط کانون‌های قدرت در دولت نه تنها بر وضعیت مالی واحدهای تجاری مؤثر است، بلکه می‌تواند انگیزه و توانایی مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع ممکن است موجب بروز تفاوت‌هایی در کیفیت گزارشگری مالی واحدهای تجاری دارای روابط سیاسی با دولت در مقایسه با واحدهای تجاری فاقد این نوع روابط شود. همچنین فرد سرمایه‌گذار که تصمیم به خرید یا فروش سهام می‌گیرد، بانکداری که در مورد تأیید یک درخواست وام تصمیم می‌گیرد و دولتی که برای وصول درآمد مالیاتی به اظهارنامه‌های مالیاتی اتکاء می‌کند، همگی بر اطلاعاتی تکیه می‌کنند که توسط دیگران تهیه شده است. از آنجا که هدف تهیه‌کنندگان با هدف استفاده‌کنندگان از اطلاعات تفاوت دارد، لذا نیاز به وجود حساب‌رسان مستقل به عنوان گروه‌های اطمینان‌بخش، یعنی افرادی با صلاحیت و صداقت حرفه‌ای که بتوانند مشخص کنند که اطلاعات مالی که بر آن اتکاء می‌شود از تصویری مطلوب و کامل برخوردارند افزایش می‌یابد. همچنین حساب‌رسان می‌بایست درک درستی از ماهیت انواع تقلب و زمینه‌های انجام آن، علل احتمالی، کنترل‌ها و راهکارهای کشف رفتارهای متقلبانه داشته و الگوهای مناسب را در این زمینه به کار گیرند. پژوهش حاضر نقش و اهمیت عوامل سه‌گانه بیش‌اعتمادی مدیران، کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی در فرایند تأثیرگذاری رفتارهای متقلبانه بر تصمیمات مهمی همچون تعیین ساختار تأمین مالی و ساختار مالکیت

1. Wating Average Capital Cost (WACC)

2. Earnings Before Interest and Tax (EBIT)

شرکت‌ها را مورد کنکاش قرار داده است تا ضمن بررسی میزان و نوع تأثیرپذیری هر یک از آنها به تبیین روش‌های کنترلی و پیشگیرانه در ایجاد زمینه‌های بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه مؤثر بر تصمیمات راهبردی شرکت‌ها بپردازد.

بیان مسئله

در سال‌های اخیر با توجه به محدودیت منابع مالی و رکود اقتصادی ناشی از بیماری کووید، شاهد اوج‌گیری رفتارهای منفعت‌طلبانه و تضاد منافع بین مدیران و مالکان شرکت‌ها، وقوع تقلب گسترده و پیامدهای ناشی از آن بوده‌ایم که یکی از مهمترین دغدغه‌های اجتماعی تبدیل شده است. مبانی نظری و مطالعات شکل گرفته براساس این چنین واقعیاتی، نشان می‌دهد که روش جامعی برای اندازه‌گیری اثرات تقلب بر روند حرکتی یک شرکت یا بنگاه اقتصادی به صورت آشکار وجود ندارد. اگر چه برخی مطالعات، روندهای تحلیلی مشخصی برای اندازه‌گیری اثرات تقلب بر برخی مؤلفه‌های مالی و اقتصادی ارائه کرده‌اند، لیکن معیار جامعی برای کنترل و ارزیابی میزان اثرات تقلب بر مجموع مؤلفه‌های مؤثر بر رشد اقتصادی شرکت به صورت همه جانبه‌ای وجود ندارد. لذا کسب شناخت زمینه‌های مشترکی که به تبیین ارتباط بین تقلب با روند حرکت اقتصادی شرکت‌ها، از جمله فرایند اتخاذ تصمیمات مالی بپردازد اجتناب‌ناپذیر است. این شناخت ضمن مطالعه ادبیات تحقیق و شناسایی ساختارهای مرتبط با مؤلفه‌های مالی و مالی رفتاری، مجموعه‌ای از روابط قابل اندازه‌گیری بین متغیرها را شکل می‌دهد که تحلیل آنها به کاهش اثرات و پیامدهای نامطلوب ناشی از وقوع تقلب و رفتارهای فرصت‌طلبانه کمک می‌نماید. بر این اساس فرضیه‌های هشت‌گانه پژوهش که از یک سو بر ارتباط بین تقلب با تصمیمات مربوط به تعیین ساختار سرمایه و ساختار مالکیت شرکت‌ها اشاره دارند و از سوی دیگر اثرات تعدیل‌کننده دو عامل کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی و همچنین اثرات مداخله‌گر عامل بیش‌اعتمادی مدیران بر این روابط را مورد ملاحظه قرار می‌دهند، تدوین و مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقلب به عنوان یک مشکل جهانی و مؤثر بر فضای کسب و کار، آثار نامطلوبی را برای شرکت‌ها و سهامداران به همراه دارد. پیامدهای مالی ناشی از وقوع تقلب طی دو دهه گذشته در جهان تا ۵/۱۲۷ تریلیون دلار برآورد می‌شود به طوری که در ده سال گذشته خسارات ناشی از تقلب ۵۶٪ افزایش یافته است (جی و باتون^۱، ۲۰۱۹). بزرگ‌ترین سازمان مبارزه با تقلب در جهان، انجمن بازرسان مجاز تقلب^۲ (ACFE) تقلب داخلی را استفاده از شغل برای غنی‌سازی شخصی از طریق سوء استفاده عمدی یا سوء استفاده از منابع یا دارایی‌های سازمان استخدام‌کننده تعریف می‌کند. به دیگر بیان تقلب توسط کارمندان علیه سازمان‌ها، تقلب داخلی یا به طور خاص تقلب نامیده می‌شود و در سه گروه سوء استفاده از دارایی‌ها، فساد اداری و تقلب در صورت‌های مالی طبقه‌بندی می‌شود. در دو دسته اول، سازمان‌های استخدام‌کننده «قربانیان تقلب» به شمار می‌روند و در دسته سوم، در حالی که تقلب در

1. Gee & Button

2. Association of Certified Fraud Examiners

صورت‌های مالی منافع طیف وسیع‌تری از ذینفعان را تهدید می‌نماید. تحریف صورت‌های مالی که با هدف دستیابی به پاداش عملکرد بیشتر و یا پنهان نمودن سوء استفاده از دارایی‌ها، توسط کارمندان صورت می‌پذیرد از جمله این گونه، رفتارهای فرصت‌طلبانه تلقی می‌شوند که جرایم شرکتی محسوب می‌شود. اهمیت پیشگیری از وقوع چنین رفتارهایی بدان جهت است که عموم مردم و جامعه را به عنوان قربانی هدف قرار می‌دهد. (سوح و همکاران^۱، ۲۰۱۹). لذا در این مطالعه تقلب داخلی مطابق با تعریف انجمن بازرسان مجاز تقلب و آنهم دسته سوم یعنی تقلب در صورت‌های مالی مورد نظر خواهد بود. گاه خسارات مستقیم و غیر مستقیم و زیان‌های آشکار و پنهان ناشی از وقوع تقلب چنان گسترده است که منافع سرمایه‌گذاران، بدهکاران، کارکنان، اعتبار دهندگان و سایر استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی از گزارشات مالی را تحت تأثیر قرار داده و ضمن به مخاطره افکندن تداوم فعالیت شرکت، رسوایی‌هایی را نیز به همراه خواهد داشت. یکی از مهمترین مجاری سرایت آثار تقلب بر منافع ذینفعان و مخاطرات بعدی آن ریشه در تصمیماتی دارد که مدیران اتخاذ می‌نمایند. تصمیم‌گیری پیرامون تعیین ساختار تأمین مالی و ساختار مالکیت شرکت‌ها از جمله مهمترین این تصمیمات هستند. انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۲ (AICPA) در مباحث نظری پیرامون ساختار سرمایه، تعادل بین دو منبع اصلی تأمین مالی، یعنی بدهی و حقوق صاحبان سرمایه را مورد ملاحظه قرار داده است و بر همین اساس بر دو موضوع به حداکثر رساندن ارزش سهام و به حداقل رساندن هزینه تأمین منابع مالی شرکت‌ها تاکید داشته است. به نظر می‌رسد انجمن، ساختار سرمایه و شیوه‌های تأمین مالی را بدان جهت مهم می‌شمرد که تغییرات در آنها زمینه‌های گوناگونی از فعالیت‌های بنگاه اقتصادی را متأثر می‌سازد و پیامدهایی همچون افزایش هزینه‌ها، کاهش ارزش دارایی‌ها و افت قیمت بازار سهام، افزایش ریسک و در مجموع سقوط ارزش شرکت و در نهایت ورشکستگی واحد تجاری را به دنبال دارد. هر چند حدود اثرگذاری این پیامدها بسته به نوع و اندازه سازمان‌ها متفاوت خواهد بود به گونه‌ای که سازمان‌های کوچک (دارای کمتر از ۱۰۰ کارمند)، سازمان‌های غیرانتفاعی و شرکت‌های خصوصی که دارای سیستم کنترل داخلی ضعیف‌تر و منابع مالی کمتر برای جبران خسارات ناشی از وقوع تقلب، بیشتر در معرض تقلب قرار دارند (کراجا، کیم و لسمان^۳، ۲۰۲۰). برخی از اصطلاحات متداول و بنیادی در حوزه تقلب نظیر مثلث تقلب، انواع و ابزارها و تکنیک‌های قابل استفاده در کشف آن همچون ابزارهای ارزیابی ریسک و فنون کشف تقلب با استفاده از نرم‌افزار حسابرسی (ACL)، موضوعات اصلی بسیاری از مطالعات در این زمینه را تشکیل می‌دهند. این مطالعات نقش و جایگاه قوانین حاکمیت شرکتی و موضوعاتی همچون ساختار مالکیت را به عنوان الگوی راهبری پیشرفته در کانون توجه خود قرار داده و موضوعات اصلی این قوانین شامل سرپرستی و نظارت، مدیریت، رعایت مقررات، حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل، را تحلیل و بررسی نموده‌اند و ابعاد چهارگانه سرپرستی، مدیریت، حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل را برای پیشگیری و کشف تقلب در صورت‌های مالی مؤثر و ضروری دانسته‌اند (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۱). تعیین ساختار سرمایه در شرکت‌ها، دانش و شناخت کافی مدیران مالی را پیرامون منابع موجود، هزینه‌های تأمین منابع، شرایط بازار، شیوه‌های ایجاد اهرم مالی مناسب و مدل‌های تعیین ترکیب بهینه ساختار

1. Association of Certified Fraud Examiners
2. Suh at all
3. Craja, Kim & Lessmann

تأمین مالی می‌طلبد. افزایش چنین دانشی و برخورداری از چنین شناختی بدون اتکاء به اطلاعات صحیح و گزارشات مالی دقیق و حسابرسی شده امکان‌پذیر نیست. لذا حسابرسان و کیفیت حسابرسی در این زمینه از نقش و جایگاه مهمی برخوردار است. حسابرسان از طریق ارزیابی صحت اطلاعات ارائه شده کمک می‌نمایند تا با توجه به اهمیت اقلام تعهدی، برآورد دقیق‌تری از ارزش واقعی شرکت ارائه شود (سوح و همکاران، ۲۰۱۹). اقلام تعهدی بیشتر، دشواری بیشتر عملیات و پیچیده شدن فرایند حسابرسی را به همراه دارد. مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از تعارضات در منافع که بین مالکان و مدیران مشاهده می‌شود (موضوع تئوری نمایندگی) در اقلام تعهدی و تغییرات آن متبلور است. بنابراین تمرکز مالکیت و امکان کنترل عملکرد مدیران ابزاری با اهمیت در کاهش پیامدهای ناشی از تضاد منافع خواهد بود (کاستالورنکو و همکاران^۱، ۲۰۱۸). خطر اخلاقی، عدم تقارن اطلاعاتی، و گزینش نامناسب از جمله این پیامدها به شمار می‌روند. از سوی دیگر ساختار مالکیت شرکت‌ها نیز در بروز چنین پیامدهایی بی‌تأثیر نیستند. جنسن (۱۹۹۳) ساختار مالکیت را به عنوان یکی از ساز و کارهای درون‌سازمانی مورد اشاره قرار داده و آن را اشخاص یا گروه‌هایی معرفی می‌کند که بر تصمیمات عملیاتی و راهبردی شرکت‌ها تسلط و حکمفرمایی دارند. ترکیب سهامداران و میزان تمرکز مالکیت دو جنبه اساسی ساختار مالکیت شرکت‌ها به شمار می‌روند که تأمین‌کنندگان منابع مالی بلندمدت شرکت‌ها را نشان می‌دهند. اغلب تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی به دلیل صرفه‌جویی مالیاتی و همچنین نرخ پایین‌تر سود آن در مقایسه با نرخ بازده مورد انتظار سهامداران، برای مدیران از ارجحیت خاصی برخوردار می‌باشد. لیکن در شرایط خاص بازار و بسته به نوع و جنس سرمایه‌گذاران و سایر عوامل اقتصادی شیوه‌های تأمین مالی در شرکت‌ها دستخوش تغییر می‌شوند. باید توجه داشت که تأمین مالی از دو جهت ممکن است بر مسأله نمایندگی تأثیرگذار باشد. اول آن که ایجاد بدهی ممکن است مشکلات نمایندگی ناشی از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را کاهش دهد. بر این اساس در صورت ایجاد بدهی، مدیران موظفند اقدام به بازپرداخت بدهی‌ها نمایند که در نهایت محدود شدن تصمیمات مدیران در زمینه تعیین ساختار تأمین مالی در پی خواهد داشت. دوم آن که بدهی‌ها به دلیل افزایش ریسک نکول ممکن است مشکلات نمایندگی سهامداران را تشدید نماید.

نظریه مدیلیانی و میلر^۲ (۱۹۵۸)، درباره ساختار سرمایه به تشکیل مبنایی برای تفکر مدرن در ساختار سرمایه کمک می‌نماید. این نظریه که بر رابطه بین اهرم مالی و ارزش شرکت استوار است، بر اساس دو فرض وجود و یا عدم وجود مالیات پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد که طبق آنها ارزش یک شرکت، در غیاب مالیات، تحت تأثیر نحوه تأمین مالی قرار نمی‌گیرد. همچنین در ساختاری که مشمول مالیات می‌شود، ارزش شرکت در صورت عدم استفاده از اهرم مالی، سپر مالیاتی ایجاد کرده و باعث افزایش ارزش شرکت متناسب با میزان بدهی مورد استفاده می‌شود. از لحاظ نظری سپر مالیاتی، کاهش درآمد مشمول مالیات برای یک فرد یا شرکت می‌باشد که از طریق مطالبه بدهی‌های مجاز حاصل می‌شود. در همین راستا بنگاه‌های اقتصادی زیادی که تمایل به بقا و پیشرفت یا پیشی گرفتن از رقبای خود دارند، باید توان مالی و ظرفیت خود را به حداکثر برسانند. ایجاد یک ساختار سرمایه مناسب

1. Costa Lourenço, Rathke, Santana & Castelo Branco
2. Modigliani & Miller

نیز راهکاری است که مشاغل می‌توانند قدرت مالی و سرمایه خود را به حداکثر برسانند (نارایان، لیو و ابراهیم^۱، ۲۰۲۰؛ سینگ و کاناداسان^۲، ۲۰۲۰؛ صادق^۳ و همکاران ۲۰۲۰؛ لی و بوی^۴، ۲۰۲۰؛ نگوین^۵، ۲۰۱۹). در شرایط کنونی راه‌حل‌های تجدید ساختار سرمایه در شرکت‌ها و صنایع یکی از مهمترین نگرانی‌ها محسوب می‌شود. شاید اصلی‌ترین دلیل این دغدغه از یک سو ریشه در وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران با هدف موجه جلوه دادن تصمیمات مربوط به ساختار مالی داشته باشند و از سوی دیگر آثار و پیامدهای مثبت که خود بستر مناسب را برای تحریف و تجدیدارائه مستمر در صورت‌های مالی فراهم می‌آورد. همچنین دلایلی که پیرامون رابطه بین سیاست و هزینه تأمین مالی در بسیاری از مطالعات مورد مذاقه قرار گرفته، نشان می‌دهند که دولت قادر است ارزش شرکت‌ها را از دو طریق تحت تأثیر قرار دهد. گردش وجوه نقد مورد انتظار و نرخ تنزیل. از دیگر سوی برخی مدیران ممکن است با استفاده از روابط سیاسی، به عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود شرکت در جهت منافع خود استفاده نمایند و تضييع حقوق سهامداران را سبب شوند. همچنین تمرکز مالکیت و کنترل قدرت در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مقایسه با سایر شرکت‌ها بیشتر است. به احتمال زیاد وابستگی‌های سیاسی، انگیزه تمرکز مالکیت و حفظ کنترل را به دو دلیل افزایش می‌دهد. دلیل اول اینکه، وابستگی سیاسی این تمایل را ایجاد می‌کند که منافع حاصل از ارتباطات سیاسی بهینه شود تا در صورت تحمل هزینه (زیان) توانایی جبران وجود داشته باشد و دومین دلیل نیز بر این نکته اشاره دارد که وابستگی سیاسی به طور کلی فشار نظارتی کمتری را به همراه دارد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی و سلب مالکیت بالقوه سهامداران و فعالیت‌های منفعت‌طلبانه سیاستمداران، ممکن است هزینه سرمایه و ریسک شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا سهامداران برای سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها، نرخ بازده بالاتری را مطالبه می‌کنند و بدین ترتیب انتظار می‌رود چنین فرایندی ساختار تأمین مالی و ساختار مالکیت شرکت‌ها را متأثر سازد. لذا ارتباط هدفمند بین منافع سیاستمداران و شرکت، بر ارزش شرکت‌های دارای وابستگی سیاسی می‌افزاید. شرکت‌های دارای وابستگی سیاسی از وضعیت نظارتی مطلوب، افزایش دسترسی به مجوزهای واردات، نرخ‌های پایین‌تر مالیات، تعرفه‌های وارداتی کمتر، وضعیت ترجیحی در اخذ وام از بانک‌های دولتی، و سهم بازار برخوردار می‌شوند. تقلب در صورت‌های مالی انگیزه و پشتوانه قوی برای فرد متقلب می‌طلبند که به بیان الهمری (۲۰۱۵) روابط سیاسی می‌تواند انگیزه و پشتوانه لازم را برای فرد متقلب فراهم نماید، چرا که با این ذهنیت که با بهره‌گیری از روابط سیاسی خود می‌توانند با تقلب و رانت‌های موجود منفعت زیادی کسب نمایند. در ادبیات موجود مستند شده است که ارتباط سیاسی از طریق دسترسی آسان به منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط، منابع ارزشمندی برای شرکت فراهم می‌کند و بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد. ساختار مالکیت نامناسب می‌تواند ریشه در عدم ارتباط مناسب بین جریان‌های نقد و استفاده از دارایی‌ها، عدم امکان کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، فقدان اثربخشی حاصل از به کارگیری قوانین حاکمیت شرکتی،

1. Narayan, Liu & Ibrahim
2. Singh & Kannadhasan
3. Sadiq, Singh, Raza & Mohamad
4. Le at Bui
5. Nguyen

کتمان اطلاعات و ضعف در رفتارهای اخلاقی مدیران و انتخاب‌های نامناسب) داشته باشد. به نظر می‌رسد عدم کارائی و ضعف در کنترل‌های داخلی، ابهام در نتایج گزارش حساب‌رسان و کیفیت نامناسب گزارش‌های مالی همراه با عامل خوش‌بینی و اعتماد بیش از حد مدیران می‌توانند میزان تأثیرگذاری عوامل یاد شده بر تصمیم‌گیری‌های مدیران پیرامون تعیین ساختار مالی و ساختار مالکیت را متأثر سازد. به عنوان مثال وجود نقص در کنترل‌های اعمال شده بر مدیریت شرکت شرایطی را فراهم می‌آورد که به تقلب در صورت‌های مالی منجر خواهد شد. برخورداری از امکان تغییر نتایج عملکرد از طریق اقدام تعهدی و یا استفاده از فرصت‌های فریبکارانه نوعی نگرش و ذهنیت خوش‌بینانه همراه با اعتماد بیش از حد را در مدیران می‌آفریند که در نهایت این ذهنیت، بر تصمیم‌گیری‌های وی درباره ساختار تأمین مالی اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی مدیران با اعتماد به نفس بیشتر می‌توانند بر رفتار مالکان جهت تصمیم‌گیری و گزارش‌گیری در خصوص صورت‌های مالی اثرگذار باشند.

رضانی و صادقی لقمجانی (۱۴۰۱)، در پژوهش خود به بررسی اثر تعدیل‌کننده کارائی و ارزیابی صحت اطلاعات بر رابطه ساختار مالکیت و تغییر استراتژی با نوسانات قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج تحقیق وی بیانگر آن است که بهینه‌سازی ساختار مالکیت و کسب بازده اضافی حاصل از به کارگیری استراتژی‌های شتاب و معکوس، بر نوسانات قیمت سهام تأثیر مثبت و مستقیم خواهند داشت و افزایش کارائی اطلاعاتی و درستی آن موجب کاهش هزینه سرمایه در رابطه ساختار مالکیت و نوسانات قیمت سهام می‌شود.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به بررسی تمایل به افشاگری تقلب‌های حسابداری مبتنی بر صفات شخصیتی، وضعیت اخلاقی و عدالت‌سازمانی در مورد حساب‌سازی و اختلاس پرداخته است. با توجه به پیامدهای منفی فراگیر تقلب‌های حسابداری و کارآمدی افشاگری در کشف آنها نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سطح معنادار قابل ملاحظه‌ای، صفات شخصیتی (روان‌نژندی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی)، وضعیت‌های اخلاقی (ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی) و عدالت‌سازمانی (رویه‌ای، تعاملی و توزیعی)، بر تمایل به افشاگری هر دو نوع تقلب اثر دارد و همچنین تمایل به افشاگری اختلاس بیشتر از افشاگری حساب‌سازی می‌باشد.

همت‌فر (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارش‌گری مالی متقلبانانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج تحقیق وی بیانگر آن است که وجود مدیران توانا در شرکت‌ها، باعث کاهش سطح تقلب در صورت‌های مالی خواهد شد. ارتباطات سیاسی نیز این رابطه منفی را تقویت می‌نماید. این مطالعه توانمندسازی را فرایند تقسیم مقدار ثابتی از قدرت نمی‌داند. بلکه آن را سازوکاری معرفی می‌کند که قدرت نسبی هر فرد به واسطه آن افزایش می‌یابد و قدرتی جدید و نفوذی مبتنی بر صلاحیت را در سازمان ایجاد می‌نماید. در این مطالعه، تحریف صورت‌های مالی نیز شامل دستکاری عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها از طریق ارائه بیش از واقع دارایی‌ها، فروش و سود یا ارائه کمتر از واقع بدهی، هزینه و زیان می‌باشد. در مواقعی که صورت‌های مالی حاوی تحریفی با اهمیت است به گونه‌ای که عناصر تشکیل‌دهنده صورت‌های مالی بیانگر واقعیت نباشد، گفته می‌شود که تقلب صورت گرفته است.

ملکی کامکار و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان کارایی مدل‌های یادگیری ماشین در پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبان به بررسی وجود تقلب و تداوم آن در صورت‌های مالی، آثار گسترده تقلب بر سلامت مالی شرکت‌ها و توسعه پایدار بازار سرمایه پرداخته‌اند. نتایج مطالعات آنان نشان می‌دهد که با توجه به شیوه‌های نوین و پیچیده روش‌های متقلبان به ویژه در زمینه تحریف گزارش‌های حسابداری و همچنین فقدان دانش مورد نیاز به منظور پردازش داده‌ها، و عدم تجربه کافی حسابرسان، روش‌های متداول حسابرسی نتوانسته‌اند در پیشگیری و کشف صورت‌های مالی متقلبان، به موفقیت چندانی دست یابند. بر اساس نتایج این پژوهش یافته‌های حاصل از ترکیب الگوریتم درخت تصمیم‌گیری CHAID، C5 و C&R با بالاترین دقت در حدود ۹۲/۶۱ درصد قادر است گزارشگری مالی متقلبان را پیش‌بینی نماید. روش‌های داده‌کاوی بر پایه مدل‌های یادگیری ماشین و به ویژه ترکیب آنها به طور موفقیت‌آمیزی در پیش‌بینی و کشف تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

مشایخ و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت‌ها به این موضوع پرداخته‌اند که ویژگی‌های شخصیتی مدیران، آنان را به انجام اقداماتی بر خلاف رویه‌های متداول سوق می‌دهد و سبب می‌شود به دلیل توجه بیش از حد به ستایش و نظر دیگران، عملکرد سازمان تحت تأثیر قرار گیرد. نتایج بررسی آنان نشان می‌دهد تعصبات شخصی و توهمات مثبت مدیران خودشیفته، بر ارائه اطلاعات مالی به بورس اوراق بهادار توسط شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. این مدیران، بازخوردهای منفی و به احتمال زیاد محرمانه را نادیده می‌گیرند و به طور طبیعی، اطلاعات ارائه شده به سهامداران در مورد عملکرد شرکت از محتوای لازم برخوردار نخواهد بود.

لیما و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، به بررسی تأثیر تمایلات فرصت‌طلبانه مدیران بر روی ساختار سرمایه پرداختند. آنان معتقدند توسعه به کارگیری تئوری‌های مالی در شرکت‌های جدید و بسط و گسترش مطالعات رفتاری در چارچوب نظری‌های مطرح در حوزه اقتصاد مالی، تحلیل‌های نوینی را با هدف کاهش چالش‌های موجود به ویژه در عرصه به کارگیری برخی مفاهیم همچون عقلانیت در تصمیم‌گیری، در پیش‌رو قرار داده است. پژوهشگران در این مطالعه عواملی همچون اعتماد به نفس بیش از حد، خوش‌بینی، جنسیت، سن، تحصیلات، تجربه کار حرفه‌ای و ناسازگاری‌های رفتاری را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر روی ساختار سرمایه بنگاه‌های اقتصادی معرفی نموده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که ویژگی‌های رفتاری ذاتی مدیران شرکت‌ها به ویژه اعتماد به نفس و خوش‌بینی بیش از حد در تعیین چگونگی تشکیل ساختار سرمایه اثرگذار می‌باشند. عدم تقارن اطلاعاتی نیز تمایلات فرصت‌طلبانه مدیران را افزایش می‌دهد. یافته‌ها بیانگر آن است که هرچند جنسیت، سن و پیشینه مدیران، عوامل تعیین‌کننده ساختار سرمایه هستند لیکن تأثیر میانجی یا تعدیل‌کننده‌ای بر رابطه بین متغیرهای رفتاری و ساختار سرمایه ندارند.

اکفور و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت، تقلب و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در کشورهای جنوب صحرای آفریقا پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دو عامل نقش نظارتی

1. Lima et al

2. Okfor, Ede, Chijoke- Mgbame, Ohaleh & Mgbame

سرمایه‌گذاران خارجی و پرداخت رشوه به ترتیب اثرات مثبت و منفی بر ساختار مالکیت شرکت‌ها دارند. جذب سرمایه‌گذاران خارجی رفتارهای فرصت‌طلبانه را کنترل و منجر به اقداماتی همچون آزادسازی اقتصاد و تجارت، به کارگیری برنامه‌های جذاب در جهت ترغیب خصوصی‌سازی، پذیرش استانداردهای تجاری بین‌المللی، بهبود کیفیت نهادها و تعدیل محیط سیاست‌گذاری می‌شود. در این راستا تقلب و پرداخت رشوه در آن دسته از شرکت‌هایی که توسط مقامات دولتی (ارتباطات سیاسی) حمایت می‌شوند کاهش می‌یابد. ترغیب به سرمایه‌گذاری خارجی و اعمال مقررات کنترلی بیشتر از جمله پیشنهادهای ناشی از دستیابی به نتایج حاصل از این پژوهش می‌باشد. کارپوف^۱ (۲۰۲۰)، در مطالعه خود با استفاده از دو نظریه به بررسی تأثیر تغییرات تکنولوژیکی و رشد ثروت در طول زمان بر شرایط آتی وقوع تقلب در زمینه مالی پرداخته است. نتایج بررسی‌های وی نشان داده است که عدم آشنایی با برخی نوآوری‌ها در حوزه مبادلات مالی، رفتارهای فرصت‌طلبانه را تسهیل و امکان وقوع تقلب را افزایش داده است. بیماری همه‌گیر کرونا و رکود اقتصادی حاصل از آن نیز سبب ایجاد اختلالات عمده‌ای در تقاضای نسبی و سرمایه‌سازمانی شده است. شواهد مورد استناد کارپوف حاکی از آن است که احتمال وقوع تقلب طی چند سال آینده افزایش خواهد یافت. اما در بلندمدت به نظر می‌رسد که با تغییرات فناوری و رشد ثروت، انگیزه‌های اخلاقی به عنوان عوامل بازدارنده تقلب شناخته شوند.

محمدی^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای به بررسی کشف تقلب در گزارش‌های مالی بر پایه تجزیه و تحلیل الگوریتم‌های داده کاوی بر اساس مقایسه عملکرد پنج مدل آماری و یادگیری ماشین پرداختند. نتایج آنان نشان داده است که تجزیه و تحلیل متمایز، رگرسیون لجستیک و ماشین‌بردار شبکه عصبی مصنوعی، عملکرد خوبی نسبت به یک شبکه بیزی دارند. همچنین از بین ۱۹ مورد پیش‌بینی‌های مورد بررسی، فقط ۹ مورد (بهره‌وری کارکنان، حساب‌های دریافتی از فروش، بدهی به حقوق صاحبان سهام، موجودی به فروش، فروش به کل دارایی‌ها، بازده سهام، بازده فروش، بدهی‌ها و هزینه‌های بهره) به طور مداوم توسط الگوریتم‌های مختلف طبقه‌بندی، انتخاب و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی، از نظر صبغه پژوهش میدانی، از بعد زمان گذشته‌نگر، از نظر نوع پژوهش کمی، از جهت رویکرد، استقرائی و از جنبه تحلیل داده‌ها علی می‌باشد و تلاش دارد تصویری از تأثیر تقلب بر روی تصمیمات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را ارائه دهد. این مطالعه تأثیر دو دسته متغیرهای تعدیل‌گر و مداخله‌گر بر روابط بین شاخص‌های معرف تقلب و تصمیمات دوگانه مرتبط با ساختار مالکیت و ساختار سرمایه را در قالب مدل رگرسیونی چندگانه مورد تحلیل و تفسیر قرار داده است. به منظور تعیین ضرورت استفاده از مدل داده‌های تابلویی (ناهمسانی عرض از مبدأ) یا تلفیقی (یکسان بودن عرض از مبدأ) و جهت تخمین مدل، از آزمون F لیمر استفاده شده است. چنان‌چه بر اساس نتایج حاصل از آزمون F لیمر روش داده‌های تابلویی

1. Karpoff
2. Mohammadi

انتخاب شود در این صورت تعیین اینکه تفاوت عرض از مبدأ واحدهای مقطعی به طور ثابت (اثرات ثابت) یا تصادفی عمل نماید آزمون هاسمن به کار گرفته شده است. در نهایت، به منظور تحلیل، از روش برآورد بر اساس داده‌های پانل و با هدف ارزیابی کلیت الگوی رگرسیون به کار گرفته شده، و معناداری ضرایب پارامترهای الگوی رگرسیون از آماره‌های مربوطه استفاده شده است.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش برای برآورد تأثیر سه عامل کیفیت حسابرسی، ارتباطات سیاسی و شاخص معرف بیش‌اعتمادی بر رابطه بین تقلب با ساختار سرمایه و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی مورد بررسی، از دو مدل رگرسیونی جداگانه استفاده شده است. مدل‌های رگرسیون به کار گرفته شده بر اساس مبانی نظری و منطبق با مطالعات تجربی پیشین بوده و ضمن اقتباس از آنها مانند کاستا لورنسو، راتکه، سانтана و کاستلو برانکو^۱ (۲۰۱۸) به طور خاص از پژوهش‌های اسکینر و سولتس^۲ (۲۰۱۱)، کاسکی و هانلون^۳ (۲۰۱۳) و هو و وانگ^۴ (۲۰۱۸) الهام گرفته شده است.

$$\begin{aligned} \text{Capital structure}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Fraud}_{i,t} + \alpha_2 \text{Au Ex}_{i,t} + & \text{مدل شماره ۱)} \\ & \alpha_3 \text{Pol R}_{i,t} + \alpha_4 (\text{Au Ex}_{i,t} \times \text{Fraud}_{i,t}) + \\ & \alpha_5 (\text{Pol R}_{i,t} \times \text{Fraud}_{i,t}) + \alpha_6 \text{Over Confidence}_{i,t} + \\ & \alpha_7 \text{Size}_{i,t} + \alpha_8 \text{Lev}_{i,t} + \alpha_9 \text{compet}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

در مدل شماره یک، ساختار سرمایه متغیر وابسته و تقلب متغیر مستقل و در مدل شماره (۲) ساختار مالکیت متغیر وابسته و تقلب متغیر مستقل را نشان می‌دهند. در هر دو مدل کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی متغیرهای تعدیل‌گر و بیش‌اعتمادی مدیران به عنوان متغیر مداخله‌گر، و همچنین اندازه شرکت، نسبت اهرمی و شاخص معرف وضعیت رقابتی مبین متغیرهای کنترلی می‌باشند.

$$\begin{aligned} \text{Ownership structure}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Fraud}_{i,t} + \alpha_2 \text{Au Ex}_{i,t} + & \text{مدل شماره ۲)} \\ & \alpha_3 \text{Pol R}_{i,t} + \alpha_4 (\text{Au Ex}_{i,t} \times \text{Fraud}_{i,t}) + \\ & \alpha_5 (\text{Pol R}_{i,t} \times \text{Fraud}_{i,t}) + \alpha_6 \text{Over Confidence}_{i,t} + \\ & \alpha_7 \text{Size}_{i,t} + \alpha_8 \text{Lev}_{i,t} + \alpha_9 \text{compet}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

متغیرهای به کار گرفته شده در مدل‌ها به شرح زیر مورد اندازه‌گیری قرار گرفته اند:

1. Costa Lourenço, Rathke, Santana & Castelo Branco
2. Skinner & Soltes
3. Caskey & Hanlon
4. Hu & Wang

متغیر وابسته

ساختار سرمایه (Capital structure): ساختار سرمایه بیانگر تأمین مالی از محل سرمایه مالکانه و بدهی‌ها می‌باشد که ترکیبی از سهام عادی، سهام ممتاز و زیرمجموعه‌هایی مرتبط با آن، سود انباشته و بدهی‌ها می‌باشد که واحد تجاری جهت تأمین مالی دارایی‌های خود از آن استفاده می‌نماید. در بیشتر مطالعات نسبتی از هر یک از منابع تأمین مالی به کل دارایی‌ها معرف این شاخص می‌باشد. لیکن در این پژوهش از رابطه نسبت بدهی (کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها) ملاک محاسبه قرار گرفته است.

ساختار مالکیت (Ownership structure): مبین ترکیب سهامداران^۱ و میزان تمرکز مالکیت^۲ می‌باشد و دو جنبه اساسی از مفهوم ساختار مالکیت شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد. برای محاسبه ترکیب سهامداران مشابه با پژوهش کومار^۳ (۲۰۰۳)، رز^۴ (۲۰۰۵)، ارنهارت و لیزال^۵ (۲۰۰۶)، از چهار متغیر مالکیت خارجی^۶، مالکیت شرکتی^۷، مالکیت مدیریتی^۸ و مالکیت نهادی^۹ می‌توان استفاده نمود. مالکیت خارجی برابر است با درصد سهام نگهداری شده توسط سرمایه‌گذاران خارجی به کل سهام سرمایه شرکت و مالکیت شرکتی به صورت درصد سهام نگهداری شده توسط انواع شرکت‌های سهامی از کل سهام سرمایه شرکت تعریف می‌شود. مالکیت مدیریتی بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده هیئت‌مدیره است و مالکیت نهادی نیز برابر درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه شرکت می‌باشد. (شامل شرکت‌های بیمه، مؤسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر ارگان‌های دولت).

به منظور محاسبه تمرکز مالکیت از شاخص هر فیندال - هیرشمن استفاده شده است. این شاخص در رابطه (۱) ارائه شده است.

$$HHI = \sum_{i=1}^{N_j} (SHARE_{i,j})^2 \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه شماره (۱)، $SHARE_{i,j}$ درصد سهام تحت تملک سهامدار i در شرکت است که معرف تمرکز بیشتر و حضور تعداد اندکی سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت می‌باشد.

متغیر مستقل

تقلب (Fraud): تجدید ارائه صورت‌های مالی که ناشی از انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت بوده و در دوره بعد از وقوع تقلب صورت می‌گیرد شاخصی مناسب برای تبیین رفتارهای متقلبانانه در شرکت‌ها می‌باشد. در این مطالعه

1. Shareholders Composition
2. Ownership Concentration
3. Kumar
4. Ros
5. Earnhart & Lizal
6. Foreign Ownership
7. Corporate Ownership
8. Managerial Ownership
9. Institutional Ownership

تجدید ارائه ناشی از انگیزه‌های متقابلانه با مقدار یک وارد مدل خواهد شد. قابل ذکر است بر اساس مدل دستیابی به پیش‌بینی‌ها در صورتی تجدید ارائه صورت‌های مالی، متقابلانه تلقی خواهد شد که سود گزارش شده اولیه یعنی سود مدیریت شده از سود تجدید ارائه شده یعنی سود واقعی بزرگ‌تر باشد و همچنین، سود اولیه بزرگ‌تر یا مساوی با سود پیش‌بینی شده مدیران باشد، و در عین حال سود تجدید ارائه شده کمتر از سود پیش‌بینی شده باشد. همچنین در مواردی که شرکت گزارشات خود را تجدید ارائه ننموده و یا تجدید ارائه منجر به تغییر در سود نشده باشد و یا تجدید ارائه کاهش یافته باشد مقدار صفر اختیار می‌کند.

متغیرهای تعدیل‌گر

کیفیت حسابرسی (Au Ex): در این پژوهش کیفیت حسابرسی از طریق به کارگیری سه معیار نرخ حسابرسی، وقفه زمانی و اندازه موسسه حسابرسی محاسبه شده است. نرخ حسابرسی به عنوان عامل تعیین کننده منافع اقتصادی حسابرسی از طریق حق‌الزحمه دریافتی حسابرسان قابل اندازه‌گیری بوده و وقفه زمانی نیز بر حسب تعداد روزهای سپری شده از تاریخ پایان دوره مالی تا تاریخ گزارش حسابرسی محاسبه گردیده است. برای اندازه‌گیری اندازه مؤسسات حسابرسی نیز مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی در زمره حسابرسی کوچک (مؤسسات حسابرسی کوچک) و سازمان حسابرسی به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر در زمره حسابرسی بزرگ قرار گرفته‌اند. اندازه موسسه حسابرسی به عنوان ویژگی ثابت حسابرسی (حداقل در یک بازه زمانی منطقی) به شمار می‌رود و حسابرسی نمی‌تواند از این ویژگی در هر قرارداد حسابرسی در جهت افزایش کیفیت حسابرسی استفاده نماید. اما، صاحب‌کار در انتخاب یک حسابرسی با کیفیت می‌تواند به این موضوع توجه نماید. بنابراین، استفاده از این معیار در پژوهش‌هایی مناسب است که تقاضای صاحب‌کار برای یک حسابرسی با کیفیت را بررسی می‌کند (دی‌فاند و ژانگ^۱، ۲۰۱۴).

ارتباطات سیاسی (Pol R): این متغیر بر اساس مدل معرفی شده فاسیو (۲۰۰۶) برای تفکیک شرکت‌های سیاسی و غیر سیاسی استفاده شده است. شرکت‌های سیاسی از روش الگوی تصمیم‌گیری چند معیاره به روش تاپسیس و وزن‌دهی به روش آن‌تروپی تفکیک شده‌اند. هرچه تعداد کارکنان و بیمه سهم کارفرما و بیکاری بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت کار و رفاه اجتماعی بیشتر خواهد بود. هرچه جمع فروش صادراتی بیشتر باشد، شرکت با وزارت صنعت، معدن و تجارت بیشتر ارتباط خواهد داشت. ارزش دفتری دارایی‌ها و مالیات بر درآمد هرچه بیشتر باشد، ارتباط شرکت با وزارت امور اقتصادی و دارایی بیشتر خواهد بود و در آخر ارزش بازار سهام هرچه بیشتر باشد، ارتباط شرکت با سازمان بورس اوراق بهادار بیشتر خواهد بود. رتبه بالاتر شرکت‌ها از مجموعه عوامل فوق، بیانگر مرادفات گسترده‌تر و سیاسی بودن شرکت‌ها می‌باشد. اساس این روش بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی باید بیشترین فاصله را با ایده آل منفی (شاخص هزینه) و کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (شاخص سود) دارا باشد. برای رتبه‌بندی به روش تاپسیس در گام اول ماتریس تصمیم نرمال شده محاسبه می‌شود، در گام دوم، ماتریس تصمیم نرمال موزون محاسبه می‌گردد، در گام سوم، راه حل ایده آل مثبت و منفی

1. Defond & Zhang

تعیین می‌شود، گام چهارم، به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی است. گام پنجم، تعیین نزدیکی نسبی گزینه به راه‌حل ایده‌آل می‌باشد و در نهایت گام ششم رتبه‌بندی گزینه‌ها است.

متغیر مداخله‌گر

بیش‌اعتمادی مدیران (Over Confidence Managers): این متغیر بر اساس مدل معرفی شده از سوی بیدل، هیلاری و وردی^۱ (۲۰۰۹) و مطابق با رابطه شماره (۲) و با استفاده از عامل اخلاص (متغیر مازاد) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است:

$$\text{Invest}_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta \text{Sales}_{t-1} + \varepsilon \quad \text{رابطه ۲}$$

Invest: معرف میزان سرمایه‌گذاری در سال جاری و $\Delta \alpha_{\text{sales}_{t-1}}$ شاخص رشد درآمدهای فروش در سال قبل (تغییرات فروش تقسیم بر فروش ابتدای سال) می‌باشد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): شرکت بر اساس لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت محاسبه شده است. اهرم مالی (Lev): با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$\text{DFL} = \frac{Q(P - V) - F}{Q(P - V) - F - C} \quad \text{رابطه ۳}$$

در این رابطه Q نشان‌دهنده تعداد محصول فروخته شده (میزان فروش)، P قیمت هر واحد محصول، V هزینه متغیر هر واحد محصول، F برابر هزینه ثابت عملیاتی و C معادل هزینه مالی ثابت است. به دیگر بیان رابطه زیر نیز مبین متغیر اهرم مالی می‌باشد.

$$\text{DFL} = \frac{\Delta NI\%}{\Delta EBIT\%} = \frac{\frac{\Delta NI}{NI}}{\frac{\Delta EBIT}{EBIT}} \quad \text{رابطه ۴}$$

رقابت (Compete): درآمد سالانه هر شرکت تقسیم بر کل درآمد شرکت‌های هر صنعت به دست می‌آید.

$$\text{CI} = \sum_{i=1}^n \frac{S_{it}}{\text{Total } S_{st}} \quad \text{رابطه ۵}$$

S_{it} معرف فروش شرکت i در سال t و S_{st} شاخص فروش صنعت شرکت s در سال t می‌باشند.

1. Biddle, Hilary & Verdi

یافته‌های پژوهش

ساختار مالکیت و ساختار سرمایه از جمله مباحث مهم در حوزه مطالعات رفتاری به شمار می‌روند. این مطالعه از آن جهت که به بررسی واکنش مدیران نسبت به گزارشات متقلبانه می‌پردازد در چارچوب تئوری‌های عمل‌گرا^۱ قابل تحلیل می‌باشد. با توجه به اهداف مورد نظر، این مطالعه به بررسی نقش بیش‌اعتمادی مدیران، کیفیت حسابرسی و ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تقلب با ساختار مالکیت و ساختار سرمایه پرداخته است.

نتایج حاصل از برازش مدل اول

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره (۱) ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰/۴۲۳ و مبین آن است که ۴۲/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ساختار سرمایه) از طریق تغییرات متغیرهای مدل قابل تبیین است. آماره F و سطح معنی‌داری آن نیز نشان می‌دهد مدل معنی‌دار بوده و از اعتبار لازم برخوردار است.

جدول ۱: نتایج حاصل از برازش مدل اول پژوهش: آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم

p-value	آماره F	r ² تعدیل شده	r ²
۰/۰۰۰۱***	۲۵/۲۲۳	۰/۴۲۳	۰/۴۳۲

*** معنی‌دار در سطح ۵ درصد

منبع: محاسبات تحقیق

ضریب شاخص تقلب (Fraud) در مدل رگرسیونی برابر با ۱/۲۳۱ و مثبت می‌باشد. بدان معنی که تقلب از رابطه معنی‌دار و مثبتی با ساختار سرمایه برخوردار بوده و افزایش تقلب، مخاطرات مورد نظر را افزایش می‌دهد. لذا فرضیه اول مبنی بر اینکه «تقلب بر تصمیمات مالی مربوط به ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار است»، با عدم رد مواجه می‌شود.

نقش محوری سرمایه در دنیای تجارت امروز، بر کسی پوشیده نبوده و چنین نقشی بسیار برجسته و قابل توجه می‌باشد. هر شرکتی برای اینکه بتواند کالا یا خدمتی را عرضه نماید، قبل از انجام هرگونه فعالیتی، به سرمایه و منابع مالی نیازمند است تا بتواند دارایی‌های مورد نیاز خود را خریداری نموده و سرمایه‌گذاری نماید. متعاقب بزرگ شدن شرکت‌ها و توسعه فناوری، نیاز به مبالغ هنگفت سرمایه و منابع مالی شدت گرفته و بازارهای متعدد مالی توسعه یافته‌اند. این توسعه به نوبه خود از یک سو تعدد روش‌های تأمین مالی توسط شرکت‌ها را بدون استفاده از روش‌های فرصت‌طلبانه طلب نموده و از سوی دیگر مدیران را به تعیین راهبرد مناسب در زمینه تأمین مالی و تعیین ساختار مطلوب سرمایه شرکت ملزم ساخته است. در این پژوهش تأثیر رفتار متقلبانه بر انتخاب روش‌ها یا تعیین راهبردها در شکل‌گیری ساختار سرمایه با پذیرش فرضیه اول مبنی بر این که تقلب بر تصمیمات مربوط به

تعیین ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار است مورد تأیید قرار گرفته است.

ضریب متغیر (Au Exx Fraud) نیز اثر تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی بر رابطه تقلب با ساختار سرمایه را بررسی می‌نماید. ضریب معنی‌دار این شاخص با مقدار $-0/212$ و مبین آن است که کیفیت حسابرسی تأثیر تعدیل‌کننده منفی (تضعیف‌کننده) بر رابطه بین رفتار متقلبانانه با ساختار سرمایه شرکت‌ها دارد. لذا فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه «کیفیت حسابرسی در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار سرمایه شرکت‌ها از نقش تعدیل‌کننده منفی برخوردار است» نیز با عدم رد مواجه می‌شود.

کیفیت بالاتر گزارشات حسابرسی این احتمال را که شرکت‌ها بر اساس برخی رفتارهای سوء و مبتنی بر تقلب دست به اقداماتی همچون تغییرات غیر منطقی در نسبت بدهی‌ها و ساختار سرمایه بزنند کاهش می‌دهد. لذا یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در رابطه بین تقلب و ابعاد مرتبط با تصمیمات مالی، کیفیت حسابرسی می‌باشد. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهند که حسابرسی با کیفیت بالا، با احتمال بیشتری منجر به کشف عملکردهای حسابداری مورد تردید می‌شوند. زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ و با کیفیت، دارای برند برتر و برخوردار از تخصص و پشتوانه قوی، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه، تحریف و تقلب در صورت‌های مالی را دارند.

علی‌رغم ضریب مثبت متغیر (Pol R x Fraud) در مدل رگرسیونی با مقدار $1/633$ ، با توجه به اینکه P -Value از سطح معنی‌داری $0/05$ بیشتر است لذا رابطه معنی‌دار نبوده و بنابراین فرضیه سوم مبنی بر اینکه «ارتباطات سیاسی در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار سرمایه شرکت‌ها از نقش تعدیل‌کننده مثبت برخوردار است»، رد می‌گردد.

لازم به ذکر است ضریب مثبت و معنی‌دار ارتباطات سیاسی (Pol R) به میزان $6/950$ حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی هر چند در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار سرمایه شرکت‌ها از نقش تعدیل‌گر برخوردار نیست لیکن خود می‌تواند در تعیین ساختار مالی شرکت‌ها نقشی مؤثر ایفاء نماید.

مؤلفه دیگر اثرگذار در رابطه تقلب و ساختار سرمایه ارتباطات سیاسی می‌باشد. نتایج حاصل از مطالعات گذشته نشان می‌دهند که روابط سیاسی می‌تواند انگیزه و پشتوانه لازم برای بروز رفتارهای متقلبانانه را فراهم آورد. این موضوع گاه ممکن است کیفیت تصمیم‌گیری مالی واحدهای تجاری دارای روابط سیاسی با دولت یا سایر ارکان حاکمیت در مقایسه با واحدهای تجاری فاقد این نوع روابط را تحت تأثیر قرار دهد. مدیرانی که تمایل به رفتارهای متقلبانانه دارند بر این گمانند که بهره‌گیری از روابط سیاسی و ایجاد رانت خود می‌تواند زمینه‌های لازم برای وقوع و توجیه این گونه رفتارها را فراهم آورد. بر همین اساس شرکت‌ها به ارتباط نزدیک با دولت تمایل بالایی دارند و برای این شرکت‌ها برقراری ارتباط سیاسی با دولت و ارکان قدرت نه تنها بر ساختار سرمایه آنها مؤثر است، بلکه می‌تواند انگیزه و توانایی مدیران را نیز در ارتباط با چگونگی گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار دهد.

ضریب متغیر بیش‌اعتمادی (Over Confidence) در مدل رگرسیون با مقداری معادل $0/081$ و P -Value معادل $0/079$ و بالاتر از سطح معنی‌داری $0/05$ بیان‌کننده آن است که از نظر آماری این رابطه در سطح اطمینان 95 درصد معنی‌دار نیست. لیکن در سطح اطمینان 90 درصد معنی‌دار می‌باشد. لذا فرضیه چهارم پژوهش مبنی

بر اینکه «بیش‌اعتمادی مدیران در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار سرمایه شرکت‌ها از نقش مداخله‌گر برخوردار می‌باشد» با سطح اطمینان پایین‌تری با عدم رد مواجه می‌شود.

بیش‌اعتمادی مدیران از مؤلفه‌های اثرگذار بر رابطه بین تقلب و ابعاد تصمیمات مالی می‌باشد. خصوصیات شخصیتی مدیران خود شیفته در مقایسه با دیگر مدیران شرکت‌ها که به دنبال تأیید و ستایش دیگران هستند از یک طرف و اعتماد بیش از حد مدیران به عوامل اجرایی زیر مجموعه از طرف دیگر، آنان را در جهت انجام اقداماتی خارج از عرف یا مخاطره‌آمیز سوق می‌دهد. این اقدامات در نهایت عملکرد شرکت را در چگونگی ترکیب ساختار سرمایه تحت تأثیر قرار خواهد داد. لذا تعصبات شخصی و توهمات مثبت مدیران خود شیفته یا دارای اعتماد بیش از حد بر افزایش احتمال وقوع تقلب و اثر آن بر ترکیب نسبت انواع بدهی‌های شرکت نقش به‌سزایی دارد. از این رو، این مدیران تمایل به نادیده گرفتن بازخوردهای منفی محرمانه دارند و اطلاعات را در زمان ارتباط با سهامداران در مورد عملکرد شرکت به طور طبیعی نادیده می‌گیرند.

جدول ۲: نتایج حاصل از برازش مدل اول پژوهش: آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم

متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-Value
ثابت مدل	۲/۷۸۸	۰/۶۸۶	۴/۰۶۶	* ۰/۰۰۰۱
Fraud	۱/۲۳۱	۰/۱۶۱	۷/۶۶۴	* ۰/۰۰۰۱
Au Ex	۰/۱۴۰	۰/۰۴۹	۲/۸۵۵	* ۰/۰۰۴
Pol R	۶/۹۵۰	۱/۷۰۰	۴/۰۸۹	* ۰/۰۰۰۰
Au Ex × Fraud	-۰/۲۱۲	۰/۰۵۳	-۴/۰۳۷	* ۰/۰۰۰۱
Pol R × Fraud	۱/۶۳۳	۱/۸۳۹	۰/۸۸۸	۰/۳۷۵
Over Confidence	۰/۰۸۱	۰/۰۴۶	۱/۷۵۶	** ۰/۰۷۹
Size	-۰/۲۳۸	۰/۰۶۰	-۳/۹۸۶	* ۰/۰۰۰۱
Lev	۰/۱۶۰	۰/۱۳۸	۱/۱۶۰	۰/۲۴۶
Compet	-۰/۳۲۶	۰/۲۶۹	-۱/۲۰۸	۰/۲۲۷

* معنی‌داری در سطح خطای ۱ درصد ** معنی‌داری در سطح خطای ۱۰ درصد

منبع: محاسبات تحقیق

آزمون مقایسه ضرایب

برای مقایسه ضرایب مدل اول از آزمون والد استفاده شده است. آزمون والد یک آزمون فرض پارامتری می‌باشد که برای مقایسه ضرایب مدل رگرسیون به کار می‌رود. به کمک این آزمون می‌توان ضرایب مدل را طبقه‌بندی نمود. نتایج این آزمون برای مدل اول پژوهش به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

جدول ۳: نتایج مقایسه ضرایب مدل اول رگرسیونی

گروه اول (بدون تأثیر)	گروه دوم (تأثیر کم)	گروه سوم (تأثیر زیاد)
بیش‌اعتمادی	کیفیت حساسی	تقلب
نسبت اهرمی	ارتباطات سیاسی (صرف نظر از نقش تعدیل‌گری)	
رقابت	اندازه شرکت	

در تحلیل مقایسه ضرایب مدل رگرسیونی فوق، می‌توان نتیجه گرفت تقلب، ارتباطات سیاسی و اندازه شرکت بیش‌ترین تأثیر را بر ساختار سرمایه داشته و در نتیجه دارای اولویت و اهمیت بالاتر در تحلیل می‌باشند و کیفیت حساسی تأثیر کم‌تری را داشته و همچنین متغیرهای بیش‌اعتمادی نسبت اهرمی و سهم درآمدی (رقابت) دارای تأثیر قابل ملاحظه‌ای در مدل نمی‌باشند.

نتایج حاصل از برازش مدل دوم

براساس نتایج مندرج در جدول شماره (۴) ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰/۴۶۵ و مبین آن است که ۴۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ساختار مالکیت) از طریق تغییرات متغیرهای مدل قابل تبیین است. آماره F و سطح معنی‌داری آن نیز نشان می‌دهد مدل معنی‌دار بوده و از اعتبار لازم برخوردار است.

جدول ۴: نتایج حاصل از برازش مدل دوم پژوهش: آزمون فرضیه‌های پنجم تا هشتم

p-value	آماره F	r ² تعدیل شده	r ²
۰/۰۰۰۱*	۳۱/۴۹۸	۰/۴۶۵	۰/۴۷۴

* معنی‌داری در سطح ۱ درصد

منبع: محاسبات تحقیق

ضریب متغیر تقلب (Fraud) در مدل رگرسیونی برابر با ۰/۹۸۳ و مثبت می‌باشد. بدان معنی که تقلب از رابطه معنی‌دار (p-value از ۰/۰۵ کمتر است) و مثبتی با ساختار مالکیت برخوردار بوده و لذا فرضیه پنجم مبنی بر اینکه «تقلب بر تصمیمات مالی مربوط به ساختار مالکیت شرکت اثرگذار است»، با عدم رد مواجه می‌شود.

در چند سال اخیر با توجه به محدودیت منابع مالی، مشکلات اقتصادی، انگیزه‌های شخصی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان شرکت‌ها، تقلب و اثرات پیرامون آن به خصوص تأثیر آن بر چگونگی شکل‌گیری ساختار مالکیت به یکی از دغدغه‌های اجتماعی تبدیل شده است به هر حال، با شناسایی زمینه‌های مشترک ارتباط تقلب با روند حرکت اقتصادی شرکت‌ها از جمله تصمیمات مرتبط با ساختار مالکیت از طریق ادبیات تحقیق و شناسایی ساختارهای مرتبط با مولفه‌های مالی، مجموعه‌ای از روابط قابل اندازه‌گیری بین متغیرها به وجود می‌آید که برای توسعه ابزار تحلیلی مرتبط با تقلب استفاده شود. در این بخش با استفاده از تحلیل ارائه شده نتایجی ارائه گردید

که در آنها ضمن بررسی رابطه بین تقلب و برخی از تصمیمات مالی مانند ساختار مالکیت با یک دید جامع‌تر به بررسی مولفه‌های اثرگذار بر این رابطه نیز پرداخته شد.

ضریب متغیر (Au Exx Fraud) نیز اثر تعدیل‌گری کیفیت حسابرسی بر رابطه تقلب با ساختار مالکیت را بررسی می‌نماید. ضریب معنی‌دار این شاخص با مقدار $-0/196$ - نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی تأثیر تعدیل‌کننده منفی (تضعیف‌کننده) بر رابطه بین رفتار متقلبان به ساختار مالکیت شرکت‌ها دارد در نتیجه فرضیه ششم پژوهش که «مبین نقش تعدیل‌گری منفی برای کیفیت حسابرسی در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌باشد» نیز با عدم رد مواجه می‌شود.

نتایج این پژوهش نیز حکایت از تعدیل رابطه بین تقلب و ساختار مالکیت با ورود شاخص کیفیت حسابرسی دارد. این یافته مبین آن است که شرکت‌هایی که توسط حسابرسان بزرگ‌تر، متخصص در صنعت، دارای رتبه بالاتر در رتبه‌بندی جامعه حسابداران رسمی و برخوردار از حق‌الزحمه بیشتر و در وقفه زمانی کمتر حسابرسی شده‌اند دارای کیفیت حسابرسی بالاتری بوده‌اند. در این شرکت‌ها اثر رفتارهای متقلبان ناشی از دستکاری در صورت‌های مالی بر ساختار مالکیت تحت تأثیر کیفیت مناسب گزارش حسابرسی تخفیف یافته است.

علی‌رغم ضریب مثبت متغیر (Pol R x Fraud) در مدل دوم، با مقدار $0/066$ ، مقدار p-value از $0/05$ بیشتر بوده و بیانگر عدم معنی‌داری رابطه می‌باشد. لذا فرضیه هفتم که «نقش تعدیل‌کننده ارتباطات سیاسی در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار مالکیت شرکت‌ها» را مثبت تبیین نموده است رد می‌گردد. لازم به ذکر است ضریب مثبت و معنی‌دار ارتباطات سیاسی (Pol R) به میزان $6/106$ حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی هر چند در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار مالکیت شرکت‌ها از نقش تعدیل‌گر برخوردار نیست لیکن خود می‌تواند در تعیین ساختار مالی شرکت‌ها نقشی مؤثر ایفاء نماید.

نتایج حاصل از برازش مدل‌ها به منظور آزمون فرضیه مربوطه مبنی بر اینکه ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تقلب با تصمیمات مربوط به تعیین ساختار مالکیت شرکت‌ها از نقش تعدیل‌کننده مثبت برخوردار است حاکی از آن است که هر چند روابط سیاسی خود بر تصمیمات مربوط به تعیین ساختار مالکیت تأثیر دارند لیکن بر خلاف انتظار مفروض، این عامل رابطه مثبت بین تقلب و ساختار مالکیت را تقویت ننموده است. به دیگر بیان رد این فرضیه مبین عدم تأثیر این عامل به عنوان یک شاخص تعدیل‌کننده بر رابطه بین تقلب و این بخش از تصمیمات مالی می‌باشد. فقدان چنین نقشی برای ارتباطات سیاسی می‌تواند ناشی از تأثیر ساختار کنترل قانونی و ارتقاء نظارت‌های درون‌سازمانی و همچنین مدیریت کارکردهای ارتباطات سیاسی در مسیری صحیح و به دور از رفتارهای فرصت‌طلبانه باشد.

ضریب متغیر بیش‌اعتمادی (Over Confidence) در مدل رگرسیونی با مقداری معادل $0/211$ نشان می‌دهد که افزایش بیش‌اعتمادی مدیران افزایش تمرکز تمالکیت شرکت‌ها را به همراه دارد و فرضیه هشتم مبنی بر اینکه «بیش‌اعتمادی مدیران در رابطه بین تقلب با تصمیمات مالی مربوط به ساختار مالکیت شرکت‌ها از نقش مداخله‌گر مثبت برخوردار است»، در سطح اطمینان ۹۹ درصد با عدم رد مواجه می‌شود.

مدیران خود شیفته ممکن است آگاهانه، اطلاعات مورد نیاز جهت متقاعد کردن سرمایه‌گذاران پروژه‌ها را در جهت منافع ارکان مالکیت دستکاری و تحریف نمایند. نتایج این بخش نیز نشان داد با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر عامل بیش‌اعتمادی مدیران، تقلب می‌تواند تصمیمات مالی شرکت‌ها در زمینه ساختار مالکیت را تحت تأثیر فزاینده قرار دهد. تأیید فرضیه‌های مرتبط این پژوهش (مبنی بر اینکه بیش‌اعتمادی مدیران بر رابطه بین تقلب با تصمیمات مربوط به تعیین ساختار مالکیت شرکت‌ها از نقش مداخله‌گر مثبت برخوردار می‌باشد)، موید چنین نتایجی می‌باشد.

جدول ۵: خلاصه نتایج حاصل از برازش مدل دوم پژوهش: آزمون فرضیه‌های پنجم تا هشتم

متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-Value
ثابت مدل	۲/۴۶۸	۰/۶۴۱	۳/۸۵۰	۰/۰۰۰۱*
Fraud	۰/۹۸۳	۰/۱۵۰	۶/۵۴۸	۰/۰۰۰۱*
Au Ex	۰/۱۵۱	۰/۰۴۶	۳/۳۰۳	۰/۰۰۰۱*
Pol R	۶/۱۰۶	۱/۵۸۹	۳/۸۴۳	۰/۰۰۰۱*
Au Ex × Fraud	-۰/۱۹۶	۰/۰۴۹	-۳/۹۹۱	۰/۰۰۰۱*
Pol R × Fraud	۰/۰۶۶	۱/۷۱۹	۰/۰۳۹	۰/۹۶۹
Over Confidence	۰/۲۱۱	۰/۰۴۳	۴/۸۸۶	۰/۰۰۰۱*
Size	-۰/۲۰۵	۰/۰۵۶	-۳/۶۶۵	۰/۰۰۰۳*
Lev	۰-/۲۰۴	۰/۱۲۹	-۱/۵۸۳	۰/۱۱۴
Compet	۰/۰۱۱	۰/۲۵۲	۰/۰۴۲	۰/۹۶۷

* معنی‌داری در سطح خطای ۱ درصد

منبع: محاسبات تحقیق

آزمون مقایسه ضرایب

برای مقایسه ضرایب مدل دوم نیز از آزمون والد استفاده شده است. به کمک این آزمون می‌توان مقدار تخمین به دست آمده را با یکدیگر مقایسه کرد و در گروه‌های مختلف نشان داد. نتایج این آزمون برای مدل دوم در ذیل آمده است.

در تحلیل مقایسه ضرایب مدل رگرسیونی دوم، می‌توان عنوان نمود تقلب، کیفیت حسابرسی، ارتباطات سیاسی، بیش‌اعتمادی و اندازه شرکت بیش‌ترین تأثیر را بر ساختار مالکیت داشته و در نتیجه دارای اولویت و اهمیت بالاتر در تحلیل می‌باشند همچنین متغیرهای نسبت اهرمی و سهم درآمدی دارای تأثیر خیلی کمی در مدل بوده که می‌توان نتیجه گرفت در این مدل پایین‌ترین اولویت مربوط به این متغیرها می‌باشد.

جدول ۶: نتایج مقایسه ضرایب مدل دوم

گروه اول (بدون تأثیر)	گروه دوم (تأثیر کم)	گروه سوم (تأثیر زیاد)
نسبت اهرمی		تقلب
رقابت (سهام درآمدی)		کیفیت حسابرسی
		ارتباطات سیاسی (صرف نظر از نقش تعدیل‌گری)
		بیش‌اعتمادی
		اندازه شرکت

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با رویکردی اکتشافی ضمن استفاده از مجموعه‌ای از روابط تدوین شده، منطبق با الگوهای نظری و برگرفته از پژوهش‌های گذشته، همراه با استنباط تئوریک و مبتنی بر روش‌های علمی پژوهش، به تبیین و تحلیل آماری مؤلفه‌های تعدیل و دخالت‌کننده پرداخته شده است. در این تحلیل‌ها ضمن بررسی رابطه بین تقلب و برخی از تصمیمات مالی مانند تعیین ساختار سرمایه و ساختار مالکیت با یک دید جامع‌نگر به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر این رابطه نیز پرداخته شده است.

یافته‌های حاصل از انجام این پژوهش با رویکرد اصلاحی بر سازوکارهای تحلیلی در فرآیند شکل‌گیری تصمیمات مالی نشان می‌دهند که رابطه بین تقلب با تصمیمات مربوط به تعیین ساختار سرمایه و ساختار مالکیت دارای رابطه معنی‌دار و مثبت بوده و عوامل کیفیت حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران به صورت با اهمیتی بر این رابطه به ترتیب از اثرات تعدیل‌کننده منفی و مداخله‌گر مثبت برخوردارند. این در حالیست که عامل ارتباطات سیاسی فاقد هرگونه اثر مداخله‌کننده‌ای بر این رابطه می‌باشد. بدین ترتیب نتایج مطابق با انتظارات از پیش تعیین شده از عدم رد کلیه فرضیه‌های پژوهش به استثناء فرضیه‌های سوم و هفتم (که به ترتیب بر اثرات تعدیل‌کننده و مثبت ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تقلب با تصمیمات مربوط به ساختار مالی و ساختار مالکیت شرکت‌ها اشاره دارند) حکایت دارند.

نتایج حاصل از برازش مدل اول مربوط به آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم با بخشی از یافته‌های حاصل از پژوهش‌های لیما و همکاران (۲۰۲۲)، آکافور (۲۰۲۱)، همت‌فر (۱۴۰۰)، شاه‌مرادی (۱۳۹۹) و مشایخ و همکاران (۱۳۹۹) و نتایج حاصل از برازش مدل دوم مربوط به آزمون فرضیه‌های پنجم تا هشتم با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های سینگ و کاناداسان (۲۰۲۰)، کارپوف (۲۰۲۰)، محمدی و همکاران (۲۰۲۰)، و ملکی کامکار و همکاران (۱۴۰۰) انطباق دارند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی و نقش مداخله‌گر بیش‌اعتمادی مدیران در تأثیرگذاری رفتارهای متقلبانه بر ساختار سرمایه و ساختار مالکیت پیشنهاد می‌شود نهادهای سیاست‌گذار و تدوین‌کنندگان قوانین و استانداردهای حسابداری و حسابرسی و مراجع نظارتی و کنترلی در فرایند اجرای وظایف خود آثار رفتاری مجموعه قوانین و استانداردها را از یک سو و پیامدهای ناشی از رفتارهای متقلبانه را از سوی دیگر مورد ملاحظه و مذاقه قرار دهند. تا از طریق افزایش کیفیت گزارشات حسابرسی اثرات رفتارهای

فرصت طلبانه بر تصمیمات مدیران را خنثی نموده و همچنین کنش‌های مدیران مبتنی بر رویکردهای خوش‌بینانه و افراطی را کنترل نمایند.

همچنین به مدیران عالی و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود برای تقویت ارتباطات سیاسی با رویکرد افزایش جنبه نظارتی و کنترلی و در راستای حفظ و حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و ایفاء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با توجه به پیامدهای مخرب ناشی از وقوع تقلب بر سایر تصمیمات شرکت‌ها از جمله تغییرات ساختار سرمایه اقدامات لازم را به عمل آورند تا از طریق اتخاذ تصمیمات مناسب در این زمینه از آثار فزاینده رفتارهای فرصت طلبانه بر تصمیمات مدیران و وقوع مخاطرات احتمالی بکاهند. آزادسازی اقتصاد و تجارت، پذیرش استانداردهای نظارتی بین‌المللی، بهبود کیفیت کارکرد نهادها و سازمان‌های سیاست‌گذار، و نیز بازنگری در شیوه‌های انتخاب مدیران با در نظر گرفتن جنبه‌های انگیزشی و رفتاری تبلور یافته در عامل بیش‌اعتمادی آنان در جهت حذف رفتارهای متقلبانه تأثیرگذار بر تصمیمات شرکت‌ها از جمله سایر پیشنهادها مبتنی بر نتایج این پژوهش به شمار می‌روند.

پژوهش‌های آتی می‌توانند تأثیر ابعاد مختلف بیش‌اعتمادی مدیران بر تمایلات آنان در بروز رفتارهای فرصت طلبانه و آثار میانجی آنها بر دیگر تصمیمات مالی شرکت‌ها را مورد مطالعه قرار دهند. اثر ضعف قوانین، تأثیر غیرمستقیم ابعاد ارتباطات سیاسی به تفکیک و بررسی نقش شاخص‌های نظارتی و کنترلی در سطح خرد و کلان در بروز رفتارهای متقلبانه و تأثیرپذیری تصمیمات شرکت از آنها، دیگر موضوعات پیشنهادی برای مطالعات آتی به شمار می‌روند.

فهرست منابع

- * رضانی، جواد، و صادقی لقمجانی، محمد علی (۱۴۰۱). تأثیر ساختار مالکیت و تغییر استراتژی بر نوسانات قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده کارائی اطاعات و افق‌های سرمایه‌گذاری. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۱ (۳)، ۹۲-۷۳.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم، و نژادتولمی، بابک (۱۴۰۰). الگوسازی تمایل به افشاگری تقلب‌های حسابداری مبتنی بر صفات شخصیتی، وضعیت اخلاقی و عدالت سازمانی درک شده. *نشریه علمی حسابداری مدیریت*، ۱۴ (۳)، ۴۴-۲۹.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۹۱) داده کاوی و کشف تقلب‌های مالی، *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱ (۳)، ۳۳-۱۷.
- * شاه مرادی، نسیم (۱۳۹۹). مبانی و زمینه‌های ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب: دیدگاه دین، فلسفه و محیط. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷ (۴)، ۶۲۳-۶۰۴.
- * مشایخ، شهناز، حبیب‌زاده، ملیحه، و حسن‌زاده کوچو، محمود (۱۳۹۹). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر افشای اختیاری اطلاعات شرکت‌ها. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷ (۴): ۶۷۱-۶۴۹.

- * ملکی کاکلر، حسن، جبارزاده کنگرلویی، سعید، بحری ثالث، جمال، و اشتاب، علی (۱۴۰۰). کارایی مدل‌های یادگیری ماشین در پیش‌بینی گزارشگری مالی متقلبانه. *اقتصاد مالی*، ۵۴، ۲۶۷-۲۹۲.
- * همت‌فر، محمود (۱۴۰۰). بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵۰، ۴۲-۲۳.
- * ACFE. Report to the Nation's 2020 Global Study on Occupational Fraud and Abuse. Tech. rep. 2020. URL: <https://acfe-public.s3-us-west-2.amazonaws.com/2020-Report-to-the-Nations.pdf>.
- * Al-hamari, R., & Ismail, K. N. K. (2015). Cash holdings, political connections, earnings quality. *International Journal of Managerial Finance*, 11 (2) 215-231.
- * Biddle, G., Hilary, G., & Verdi, R.S. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48(3): 112-131.
- * Caskey, J., & Hanlon, M. (2013). Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud Dividend Policy at Firms Accused of Accounting Fraud. *Contemporary Accounting Research*, 30 (2), 818-850.
- * Costa Lourenço, I., Rathke, a., Santana, V., & Castelo Branco, M. (2018). Corruption and earnings management in developed and emerging countries, Corporate Governance. *The International Journal of Business in Society*, 18(1), 35-51.
- * Craja, P., Kim, A., & Lessmann, S. (2020). Deep learning for detecting financial statement fraud, Decision Support Systems. 2020. <https://doi.org/10.1016/j.dss.2020.113421>.
- * Defond, M., & Zhang, J. (2014) A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58, 275-326.
- * Earnhart, D., & Lizal, L. (2006). Effects of Ownership and Financial Performance on Corporate Environmental Performance. *Journal of Comparative Economics*, 34, 111-129.
- * Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American Economic Review*, 96 (1), 369-386.
- * Gee, J. & Button, M. (2019). The Financial Cost of Fraud. *Tech. rep. Crowe*.
- * Hu, G., & Wang, Y. (2018). Political connections and stock price crash risk: The role of intermediary information disclosure. *China Finance Review International*, 8(2), 140-157.
- * Jensen, M. (1993). Presidential Address: The modern industrial revolution, exit and Jones, J., 1991. Earnings Management During Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-223.
- * Karpoff, J.M. (2020). The future of financial fraud. *Journal of Corporate Finance*, www.elsevier.com/locate/jcorpfin
- * Kumar, J. (2003). Does Ownership Structure Influence Firm value? Evidence from India. *Working paper. [Online]. www.ssrn.com*.
- * Le, T. D., & Bui, D. T. (2020). Factors affecting the capital structure of businesses in the food industry on the stock market. Review of Finance. Available at <http://tapchitaichinh.vn/kinh-te-vi-mo/nhan-to-anh-huong-den-cau-truc-von-cua-doanh-nghiep-nganh-thuc-pham-tren-thi-truong-chung-khoan-325679.htm>
- * Lima, D. Rimbo., Supratiknoa H., Uguta, G. S., & Hulua. E. (2022). Causative dynamics of overconfidence, optimism, framing effects and demographic attributes as capital structure determinants for publicly listed firms in Indonesia, *GrowingScience Accounting*, 12-138.
- * Modigliani, F., & Miller, M.H. (1958). The Cost of Capital, Corporate Finance, and the Theory of Investment. *American Economic Review*, 48, 261-297.
- * Mohammadi, M., Yazdani, S., Khanmohammadi, M., & Maham, K. (2020). Financial Reporting Fraud Detection: An Analysis of Data Mining Algorithms. *International Journal of Finance and Managerial Accounting*, 4, (16).

- * Narayan, P.K., Liu, G., & Ibrahim, M. (2020). Ethical investing and capital structure. *Emerging Markets Review*. Available online 3 November 2020, 100774 In Press, Journal Pre-proof. <https://doi.org/10.1016/j.ememar.2020.100774>.
- * Nguyen, T.T.H. (2019). Factors affecting capital structure of Vietnamese trading production companies. *Scientific Journal of Open University of Ho Chi Minh City*, 14(1), 126-135.
- * Okafor, G., Ede, O., Chijoke- Mgbame, A. M., Ohalehi, P., & Mgbame, O. C. (2021). Ownership structure, corruption, and capital investment: Evidence from firms in selected Sub-Saharan African countries. *Thunderbird International Business Review published by Wiley Periodicals LLC*, 63, 403-420.
- * Rose. C. (2005), Managerial Ownership and Firm Performance in Listed Danish Firms: In Search of the Missing Link. *European Management Journal*, 23 (5), 542-553.
- * Sadiq, M., Singh, J., Raza, M., & Mohamad, S. (2020). The impact of environmental, social and governance index on firm value: evidence from Malaysia. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 10 (5), 555.
- * Singh, B.P., & Kannadhasan, M. (2020). Corruption and capital structure in emerging markets: A panel quantile regression approach. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 28, 100417. <https://doi.org/10.1016/j.jbef.2020.100417>.
- * Skinner, J. D., & Soltes E. (2011). What Do Dividend Tell Us About Earnings Quality? *Review of Accounting Studies*, 16(1), 1-28.
- * Suh, J. B., Nicolaidis, R., & Trafford, R. (2019). The effects of reducing opportunity and fraud risk factors on the occurrence of occupational fraud in financial institutions. *International Journal of Law, Crime and Justice*, (56), 79-88.

An Analysis of Capital Structure and Ownership Structure Resulted from Fraudulent Behaviors: The Role of Moderating Factors

Maryam Atarasadi

PhD Student, Department of Accounting and Management, Firoozkooh, Branch, Islamic Azad University,
Firoozkooh, Iran.
(atarasadi.m@gmail.com)

Seyed Yousef Ahadi Serkani

Associate Professor Accounting and Management, Firoozkooh, Branch, Islamic Azad university, Firoozkooh, Iran.
(Corresponding Author)
(ahadiserkani@gmail.com)

Mohsen Amini khouzani

Assistant Professor Financial Economics, shahr ghods Branch, Islamic Azad university, shahr ghods, Iran.
(amini_k_m@yahoo.com)

Abstract

According to the logic presented in previous studies, the financial structure of companies affects the value of assets, stock prices and the value of companies through the cost of capital and net profit. The importance of this issue has stimulated the opportunistic tendencies of managers to use these opportunities and apply fraudulent behaviors to guide the financing structure of companies in order to protect the interests of certain groups. On the other hand, the intervention of some internal and external factors limits the possibility of taking advantage of such opportunities or provides the conditions for their use. The purpose of this study is to explain the role and importance of some of these factors such as managers' distrust, audit quality and political communication in the process of influencing fraudulent behaviors on capital structure and corporate ownership structure in order to control the effective factors in this field. The statistical population of companies listed on the Tehran Stock Exchange and the period is 2011-2021. The statistical sample of the research includes 152 companies and the hypotheses are tested using multivariate linear regression model and data analysis by panel method. Findings have shown that in addition to a significant positive relationship between the occurrence of fraud with capital structure and ownership structure, the effects of moderation the quality of auditing is negative and the interfering effect of Managers' Overconfidence is increasingly on the positive relationship. Political relations do not have any moderating effects on the relationship between fraud with financial structure and ownership structure of companies. The results of this study emphasize the importance of audit quality and Managers' Overconfidence and their control in order to manage the effects of fraudulent misconduct on financing methods and capital structure of companies.

Keywords: Fraud, Capital Structure, Ownership Structure, Moderating Factors.